

# هو الأبهى - ای یاران مهربان عبدالبهاء، صبح است...

حضرت عبدالبهاء

اصلى فارسى



لوح رقم (57) - من آثار حضرت عبدالبهاء - مکاتیب عبدالبهاء، جلد  
3، صفحه 199

( 57 )

اسلامبول - احبای الهی علیهم بهاء الله الابهی

## هو الابهی

ای یاران مهربان عبدالبهاء صبح است و از مقام اعلی روحی لترتبه الفداء بحیفا آدمم شب گذشته را در جوار مقام اعلی بسر بردم و ببرکت آتمقام مقدس شب را نهایت روح و ریحان داشتم از نفحات قدس آن مرقد منور مشام معطر شد و دل و جان مهتر لهذا بیاد آن احبای روحانی افتادم و بنگارش این نامه پرداختم با کثرت مشاغل و غوائل جمیع را ترک نموده بیاد روی و خوی احبای جان و دل افتادم ملاحظه نمائید که چه قدر مهربانم آن مدینه مدتی مدیده بقدم مبارک مشرف بود و الواح پاپی نازل و نفوسی که بساحت اقدس مشرف شدند تلقی بیان مبارک مینمودند از جمله شخصی شهیر از ایرانیان بود و مراوده مینمود و این در باطن همدم و همراز سفیر بود و در امور محل مشورت با او جمال مبارک با او مدارا میفرمودند بروی او نیاوردند ولی شخص معهود گان این مینمود که جمال مبارک واقف بحال پنهان او نیستند اظهار خلوصی مینمود تا روزی فرمودند



ORIGINAL

من پیامی دارم بحضرت سفیر کبیر ابلاغ نما و آن اینست بگو شما آنچه توانستید در خون ما کوشیدید و بگانتان  
میتوانید شجره مبارکه را از ریشه براندازید هیات هیات این شجره مبارکه ثابت است و ریشه اش محکم ریشه ئی که  
بهیچ تیشه قلع و قمع نشود ولو جمیع ملوک عالم بتمام قوت قیام نمایند ملاحظه کنید که من فرید و وحیدم ولی  
منفردا جمیع ملل و دول عالما مقاومت مینمایم عنقریب این ابرهای تاریک متلاشی گردد و شمس حقیقت بکمال  
عظمت درخشنده و تابان شود بلی میتوانید مرا شهید کنید و این اعظم موهبت الهی است این شجره مبارکه  
بخون نشو و نما مینماید حضرت اعلی روح العالمین فداه را گمان میکردید که اگر شهید شوند این بنیان برافتد هزار  
گلوله بر صدر مطهرش زدید بعد ملاحظه کردید که امر الله ظهورش بیشتر و نورش تابنده تر گشت تا آنکه  
حال باسلامبول رسیده حال گمان میکنید که اگر بخنجر حنجر بها را ببرید و خون این جمع بریزید این نار موقده  
الهی خاموش گردد استغفر الله بلکه کلمه الله بلندتر شود و شمس حقیقت بیشتر جلوه نماید و جمیع عنقریب  
خائب و خاسر خواهید شد آنچه از دستتان برآید کوتاهی ننمائید ای آقا میرزا این ظلم و عناد و ستم و اعتساف در  
نزد ما مثل آواز پشه میماند لهذا اهمیت بعناد و اضطهاد شما نمیدهیم "و سیعلم الذین ظلموا ای منقلب ینقلبون" ما  
باسلامبول وارد شدیم ابداعتنائی نه بشما و نه بدولت عثمانی نمودیم از همین باید که شما بیدار شوید که اعتماد  
ما بر قوت و قدرت الهیه است نه مادون آن جمیع ملوک مملو کند و شماها غرق در دریای زیان و خسران  
عاقبت خواهید دانست ایران ویران گردد و دولت و ملت بنهایت مشقت افتد لکن ما ایرانرا روشن نمودیم و  
ایرانیانرا عزت ابدیه خواستیم هر چند ایران در بین دول الآن کم نام است ولی این امر عظیم عاقبت اهل ایرانرا  
سرور عالم امکان کند خلاصه از این قبیل فرمایشات بنهایت شدت فرمودند آن شخص رفت و دیگر نیامد حال  
الحمد لله نفعه ئی در اسلامبول وزیده این نفعه آن دیار را مشکار نماید احباء در نهایت ثبوت و استقامت و  
حکمت باید حرکت کنند منتهای اطمینانرا داشته باشند امیدوارم که هر یک از احبا چون سراج روشن گردد  
و تعالیم الهی که روشنائی عالم انسانی است و سبب راحت و آسایش آفرینش بنهایت حکمت انتشار یابد این دریا  
پر موجست لکن موجش رو باوج و من شب و روز گریه و زاری نمایم و احبای الهی را عون و عنایت  
نامتناهی خواهم و علیکم البهاء الابهی حيفا ۷ ذی الحجه سنة ۱۳۳۴ (عبدالبهاء عباس)